



آشتی با ژول ورن



هدی برهانی

آموزگار

🔗 قفسه کتاب‌های علمی-تخیلی در دوران کودکی مایلی پررونق بود. شاید آن زمان که تلویزیون کارتون «دور دنیا در هشتاد روز» را پخش می‌کرد سرآغاز دلبستگی نوجوان‌ها به کتاب‌های علمی - تخیلی شد.

کسی چه می‌داند؟ اما هرچه هست نمی‌شود این حقیقت را کتمان کرد که غالب طرفداران این ژانر علاقه‌شان را مدیون «ژول ورن» هستند.

آن زمان که دانش آموز بودم زنگ تفریح‌های زیادی را بین قفسه‌های کتابخانه دنبال کتاب‌های علمی - تخیلی گشتم. روزهایی بود که آثار آقای ورن از دستم نمی‌افتاد. کلیدکرده بودم روی این موضوع و دست‌بردار هم نبودم. از بین نویسندگان ایرانی اما کمتر کتابی را می‌شد در این زمینه پیدا کرد. شاید پرکارترین نویسنده این ژانر خانم «فریبا کلهر» بود. او را با «هوشمندان سیاره اوراک» شناختم.

داستان محبوب دیگری که در کودکی و نوجوانی ما بازار داغی داشت، «سفرهای علمی» بود. یادتان هست؟ ساعت ۴ می‌نشستیم برنامه کودک شروع شود و صدای زنگ خوردن تلفن‌های پشت سر هم پخش شود: «الو، سفرهای علمی؟ سفرهای علمی؟» بعد هم خانم فریزل با مینی‌بوس بچه‌ها توای قاب بیاید و اردوی علمی جدید را شروع کند. سفرهای علمی علاوه بر این‌که کارتون موفقی بود یک مجموعه کتاب خیلی هیجان‌انگیز هم بود. کتابی با سبک کمیک استریپ‌های محبوب. مشتری پروپاقرص خانم فریزل و داستان‌هایش بی‌شک آناهیتا بود. آناهیتا دانش‌آموز ۱۴ ساله‌ای بود که از خواندن کتاب‌های علمی خسته نمی‌شد. کاری نداشت که گروه سنی آن کتاب چیست، با علاقه آن را می‌خواند و نت‌برداری می‌کرد. دیدن علاقه او من را وادار می‌کرد که کتاب‌های بهتر و جدیدتر را به کتابخانه مدرسه اضافه کنم. یکی از آن چیزهایی که واقعا دوست داشتم در کتابخانه مدرسه بیشتر داشته باشیم‌شان همین کتاب‌های علمی -تخیلی بودند. کتاب‌هایی که حقایق علمی را در دل کلمات داستانی پرکشش و هیجان‌انگیز پنهان می‌کردند.

با همین بهانه، چند وقتی بود که درباره استورات گیبز بیشتر می‌خواندم. الحق که کتاب‌های خوبی داشت و بین بچه‌های آن طرف آب خیلی محبوب بود. وقتی فهمیدم چندتا از کتاب‌هایش در ایران ترجمه شده سر از پا نمی‌شناختم، بی‌درنگ آنها را سفارش دادم و منتظر ماندم تا آناهیتا را در کتابخانه در حال امانت‌گرفتن آنها ببینم. «قرارگاه فضایی آلفا» هنوز به قفسه تازه‌ها نرسیده بود که با آناهیتا به خانه برده شد. دخترک با چنان ذوقی کارت امانت را پر می‌کرد که آدم هوس می‌کرد دوباره نوجوان شود تا لحظه‌ای جای او باشد. چند روز بعد وقتی برای پس دادن کتاب برگشت با هم درباره آن گفت‌وگو کردیم. داستان هیجان‌انگیز کتاب و توصیفاتش از فضا و ایستگاه فضایی او را به وجد آورده بود. می‌گفت این‌که همه چیز در قالب داستان بیان شده بود اشتیاق آدم را برای خواندن بیشتر می‌کرد. این ذوق کردنش چقدر شبیه به ذوق کردن ما بود وقتی ژول ورن می‌خواندیم. شاید دوباره وقتش رسیده که ما علمی -تخیلی خوان‌ها سراغ کتاب‌های نوجوانی‌مان برویم. 🔗

ب بسم ا...

۲ قفسه کتاب

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم
سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۹۹ • شماره ۸۷



رمان «ستاره‌ها هم می‌میرند»

در میان عاشقانه‌های موجود يك رمان موفق است

عاشقی زیر باران شهابی

رضا امیرخانی می‌اندازد و دور از ذهن نیست که امیرخانی روی نویسنده تأثیر بسیاری داشته باشد. حتی شخصیت‌ها و حال و هوای داستان خیلی به رمان‌هایی مانند «من او» و «قیدار» شباهت دارد. تیپ شخصیت‌ها و ادبیات و فضا سازی همه دست به دست می‌دهند تا این تصور قوت بگیرد و در بخش‌هایی این حال به قدری شدید می‌شود که حس می‌کنید رضا امیرخانی مشغول قصه‌گویی است. نویسنده کوشش کرده با بهره‌گیری از يك نثر فاخر که گاهی کلمه بازی در آن پررنگ می‌شود و این هم یکی دیگر از دلایلی است که کتاب را به آثار رضا امیرخانی شبیه می‌کند، خواننده را در مواجهه با يك نثر آهنگین قرار دهد. او با این روش ظرفیت‌های نوشتاری خود را نیز به نمایش در آورده و داستانی با يك نثر محکم نوشته است. نویسنده تکلیف خواننده را در همان صفحات ابتدایی با پایان داستان شخصیتش روشن کرده و با این حرکت شاید بتوان گفت کار خود را سخت‌تر کرده است. در واقع او پایان خود را در ابتدا آورده و حالا باید قصه بگوید و از این حیث موفق ظاهر شده و خواننده تا پایان می‌خواهد ببیند چه اتفاقاتی برای آدم‌های داستان قرار است بیفتد. این روش که سختی کار را دوچندان می‌کند در واقع این نوید را به هر خواننده‌ای می‌دهد که با يك کتاب داستان دار روبه‌روست و می‌توان امیدوار بود که مؤلف از پس قصه‌گویی برآمده هر چند در کتاب‌های بسیاری دیده‌شده که مؤلف دست خود را در صفحات آغازین رو کرده، ولی در ادامه دست بسته و بدون فراز و فرود پیش رفته و کاری از دستش بر نیامده است.

تردیدهای صحرا و گله و شکایت‌هایش بجا و به موقع است و خواننده احساس نمی‌کند که او غر می‌زند، بلکه کاملا اندیشه کرده و از پس اندیشه مشغول گله کردن است و در مجموع تردیدهای او منطقی است و غیرواقعی جلوه نمی‌کند.

در مجموع این رمان به عنوان دومین تجربه داستانی نرگس فرجاد امین يك تجربه جذاب است. چه از حیث محتوا و مضمون و چه از حیث تکنیک و فرم و زبان برای خواننده اثری متفاوت محسوب می‌شود. تجربه‌ای که شاید در میان زنان داستان‌نویس کمتر شاهد آن بوده باشیم. زنان داستان‌نویسی که به جای آن‌که در داستان‌ها تردیدها و دغدغه‌های خود را بروز دهند دغدغه‌ها و تردیدهای تحمیلی از سوی جامعه مردان را تبدیل به دستمایه آثار خود می‌کنند. 🔗

🔗 همه چیز از تماشای ستاره‌ها و بارش شهابی و... آغاز می‌شود. خواننده از اینجا وارد داستان «ستاره‌ها هم می‌میرند» می‌شود، ولی قصه از جایی شروع می‌شود که یحیی که یکی از دو

شخصیت اصلی است و حتی می‌توان گفت شخصیت اصلی داستان است و روایت حول او شکل می‌گیرد از محل کارش اخراج می‌شود و در يك دوره آموزشی ثبت‌نام می‌کند. این می‌شود سنگ بنای داستانی که ورودی آن همان سفر به کویر و تماشای بارش شهابی توسط منجم‌های آماتور است.

رصد آسمان و تماشای ستاره‌ها دستمایه رابطه شخصیت‌های داستان است و از دل آن قصه عاشقانه‌ای با مضمون ایثار خارج می‌شود. این آن چیزی است که در داستان این رمان به خواننده عرضه شده و بهتر است بیشتر از این درباره داستان و شخصیت‌های آن حرفی زده نشود.

این رمان که شخصیت صحرا راوی اصلی آن است و اتفاقات از زاویه او پیش می‌رود و در فصل‌های معمولاً فرد او قصه را جلو می‌برد را می‌توان يك رمان عاشقانه از جنس عشق‌های مذهبی قلمداد کرد که یحیی در فصل‌های زوج به برخی از سؤالاتی که برای خواننده در فصل‌های صحرا ایجاد شده پاسخ می‌دهد و اصطلاحاً گرهِ‌های داستان را باز می‌کند و فصل به فصل ۱ جلو می‌رود.

شخصیت‌پردازی در این داستان و صدای راوی‌های یکسان است و اگر در فصل‌های ابتدایی نام یحیی به عنوان راوی از متن خارج شود احتمالاً خواننده متوجه نشود که يك مرد مشغول روایت است و گمان کند که همچنان صحرا قصه را جلو می‌برد. شاید این اساسی‌ترین نقدی باشد که بتوان به رمان ستاره‌ها هم می‌میرند وارد کرد. شخصیت دیگری که رفتارش با عقل جور در نمی‌آید پدر یحیی است. شخصیتی که صاحب کرامت است، ولی این کرامت‌ها که گاهی تا مورد زنده کردن نیز پیش می‌رود باورپذیر نیست و خواننده نمی‌تواند هضم کند ولو توجیه‌های عقلی و داستانی برای آن تراشیده شده و در دل داستان قرار داده شده است. اما شخصیت ارمنی داستان و اتفاقاتی که به او مربوط است همه در پیشبرد داستان موثرند و خواننده رفتارهایشان را باور می‌کند.

نثر کتاب از آن دست نثرهایی دارد که خواننده را یاد نثر و زبان

علی اسماعیلی

روزنامه‌نگار



نویسنده:

نرگس فرجاد امین

انتشارات:

کتاب نیستان

۱۳۲ صفحه

۲۶۰۰۰ تومان